

نمایش بنظرتون چیکار کنم؟؟

نویسنده و کارگردان : مرتضی زحمتکش

طرح:

دو نقال وارد میدان میشوند گویی دیر رسیده اند سریع شروع به نقالی میکنند نقلشان روایتی است از سرگذشت امام خمینی (ره) در حین روایت نقل یکی از آنها دست روایت میکشد دیگری نیز با دیدن او تا جایی ادامه میدهد که نقال دیگر کم کم اضافه شود اما این اتفاق نمی افتد برای همین او نیز دست از روایت میکشد و سمت او میرود و علت این اتفاق را از او میپرسد او اینگونه عنوان میکند که دیشب در مراسم خواستگاری او را قبول نکرده اند علتش هم فرزند شهید بودن است نقال دیگر کمی با او صحبت میکند و از کارهایی که شهدا کرده اند میگوید و تعریف اش به مانند نقلشان مثال میزند و کار حضرت را با کار شهدا همسو میکند که هر دو جهاد و... بوده نقال دیگر تایید میکند ولی بخاطر نه شنیدن ناراحت است و نقال این مسئله را باه مردم میگوید تا نظر آنها را درباره این ماجرا بدانند... در پایان نیز پدر آن دختر که از اول این نقل اینجا بوده وارد میدان میشود و با او صحبت میکند و موضوع نه گفتن دیشب را به او میگوید و حال که متوجه اشتباهش شده به او میگوید امشب با مادرت دوباره به خانه ما بیا و مرد میرود نقال نیز از خوشحالی میخواهد از میدان خارج شود که نقال دیگر او را صدا میکند و میگوید بدون تمام کردن نقل ات میروی ، نقالان باهم نقلشان را به پایان میرسانند و از میدان خارج میشوند.

شخصیت ها:

دو نقال و یک مرد میانسال

به صورت روایی اجرا خواهد شد